



۴ فروردین ۱۳۸۵ - ۲۴ مارس ۲۰۰۶

سردبیر: کوروش مدرسی

www.hekmatist.com

بحران هسته ای یا

بحران به بهانه هسته ای

صفحه ۴

نمایش قدرت واحد های گارد آزادی در شهر صد هزار نفری مریوان در استان کردستان بیش از یک سوم شهر مریوان زیر پوشش واحد های گارد آزادی قرار گرفت زنده باد گارد آزادی!

اطلاعیه کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی



ابراز وجود قدرتمند گارد آزادی در شهر مریوان

واحدهای گارد آزادی ۱۶ محله از شهر مریوان را
به کنترل خود در آوردند

امشب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۴ چندین واحد از نیروهای گارد آزادی به مناسبت نوروز عملیات گسترده و قدرتمندی را در شهر مریوان اجرا کردند. واحدهای گارد آزادی همزمان و بطور هماهنگ در محلات تازه آباد، ابوبکر صدیق، شهید چراغ و بسی، محمدی، محله نبی، بلچه سور، تکیه، فرودگاه، محله میانه ای ها، محلات دارسیران ۱ و ۲، ترخان آباد او ۲، مردوخ، سردوشی ها و مدارس شهر و اطراف استادبوم شهر مریوان که در آن مراسم سیرک برپا بود و بیش از ۶۰۰ نفر در آن حضور داشتند، حضور پیدا کردند.

آزادی قرار گرفته و آیا این میتواند الگوی ادامه کاری در سایر شهرهای کردستان و سایر نقاط دیگر ایران باشد؟

عبداله دارابی: پیشا پیش به همه رفقای دست اندرکار این عملیات بزرگ تبریک گفته و برایشان آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون دارم. این حرکت نمونه ای از ابراز وجود قدرتمند یک نیروی مسلح کارگری و مردمی است که بنیان سیاسی و اجتماعی آن با سایر نیروهای مسلح موجود متفاوت است چون پایه های آن بر



darabi.a@rebhan.dnet

دست بکار شوید! حول گارد آزادی مقدرات خود را بدست گیرید!

عبدالله دارابی
فرمانده گارد آزادی

(به نقل از اکتبر ۸۲)

چند واحد از نیروی های گارد آزادی در شهر مریوان، با اهمیت و قابل تجسین است. با توجه به آن، این حرکت در کجای نقشه گارد

اکتبر: عملیات گسترده شب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۴ توسط

صفحه ۲



soraya_shababi@yahoo.com

ثریا شهابی جلوه ای از حضور نیروی سوم آیا گول انسانیت در ایران، کنترل اوضاع را بدست خواهد گرفت؟

در حاشیه اعلام حضور
گارد آزادی

جهانیان، میدان تمرین نظم نوین خونین هیئت حاکمه آمریکا خواهد شد؟ آیا مردم ایران با سرنگون کردن جمهوری اسلامی، روند اوضاع را تغییر خواهند داد و کنترل زندگی و آینده خود و فرزندان شان را بدست خواهند گرفت؟ آیا سناریو

جهان در التهاب سرانجام "مناقشه اتمی" بین دول غربی با جمهوری اسلامی و امکان حمله آمریکا به ایران به بهانه این مناقشه، بسر میبرد. آیا این حمله صورت خواهد گرفت؟ آیا بار دیگر یک جامعه ای چند میلیونی در مقابل چشمان حیرت زده

صفحه ۲

صفحه ۳

فاتح شیخ

آمریکا در عراق: جانی نه ناجی!

محمود قزوینی

اصانلو باید فوراً آزاد شود!

صفحه ۳

اطلاعیه نشست دفتر سیاسی

صفحه ۲



"عضله انقلابی" جنبش کارگری

(پیرامون دور اخیر مبارزات
کارگری در فرانسه)

عبدالله شریفی

سرانجام روز شنبه ۱۸ مارس با فراخوان اتحادیه ها و سازمانهای کارگری فرانسه بیش از یک و نیم میلیون نفر، کارگر، دانش آموز و دانشجو، معلم، بیکار و خانواده های کارگری و سایر اقشار محروم جامعه در شهرهای پاریس، مارسلی و لیل در اعتراض به قانون کار جدید دولت شیراک به خیابانها آمدند.

طبق آمار رسمی خود دولت فرانسه میزان بیکاری نزدیک به ده

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه گارد آزادی ...

در این حرکت بزرگ هزاران نسخه از پیام نوروزی لیدر حزب حکمتیست کورش مدرسی و اطلاعیه فرماندهی کمیته گارد آزادی عبدالله دارابی وسیعاً بخش شد. واحدهای گارد آزادی شرکت کننده در این عملیات، بعد از یک ساعت بخش اوراق حزبی و کنترل موقت کوچه ها و محلات شهر میوان، همگی سالم و سر حال بعد از ساعت ۱۱ شب به مأموریت خود خاتمه دادند.

انجام عملیات هماهنگ و همزمان واحدهای گارد آزادی در شهر میوان بخشی از ابراز وجود گارد آزادی برای خارج کردن کنترل محلات از دست نیروهای جمهوری اسلامی و کنترل آن از طرف خود مردم انقلابی است. این عملیات در حالی انجام میگردد که جمهوری اسلامی از ترس حضور وسیع مردم به مناسبت نوروز شهرها را از مزدوران نظامی و انتظامی خود پر کرده است.

گارد آزادی نیروی مردم کارگر و زحمتکش و آزادخواه برای تأمین و حفظ امنیت و آزادی و در دست گرفتن سرنوشت خود از دست نیروهای سناریوی سیاهی و نیروی درهم کوبنده جمهوری اسلامی است. گروههای گارد آزادی را تشکیل دهید. به گارد آزادی پیوندید تا هم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و هم کنترل زندگی خود را در دست بگیریم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

زنده باد گارد آزادی

کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی

عبدالله دارابی ۲۶ اسفند ۱۳۸۴

دست یکل شوید...

اساس منافع انسان و انسانیت بنا شده است. بنا بر این سیاست و کارکرد روزمره این نیرو در راستای سرنگونی تمام و کمال رژیم جمهوری اسلامی و تأمین حفظ امنیت و منافع همه جانبه مردم در مقابل دستجات قومی، مذهبی و کاتکستر سیاسی است. این ابراز وجود قدرتمند گارد آزادی در شهر میوان در واقع کنترل کردن ۱۶ محله این شهر را با خود داشته که در جو و فضای سیاسی امروز ایران بسیار حائز اهمیت است چون این ابراز وجود میتواند سرعت در سایر شهرهای دیگر کردستان گسترش یابد.

اکتبر: پیام شما برای مردم و گروه های گارد آزادی چیست؟

عبدالله دارابی: امروز گارد آزادی بمثابه یک نیروی مسلح کارگران و مردم آزادخواه ایران میروند تا در جامعه نقش بازی کند و در این جهان سیاه و ناهنجار سرمایه داری به یک روزنه امیدبخش برای متحقق ساختن دنیای آزاد و برابر میلیونها انسان شرافتمند و آزادخواه تبدیل شود. بحث اساسی این است که وقت آن فرآ رسیده همه انسانهای آزادخواه و برابری طلب بویژه جوانان با دیدی باز تر و جانبدارانه تر به گارد آزادی نگاه کنند و آنرا چون نیروی واقعی و سرنوشت ساز خود انتخاب نمایند و به آن پیوندند و از هر نظر آنرا تقویت و نیرو مند یخشند. این دوره، دوره ای است که باید دست بکار شد و انتخاب خود را حول این نیروی آزادخواه و برابری طلب رقم زد.

کنترل محلات شهرها تنها خاص جغرافیای کردستان نیست خصلت سراسری دارد و شروع و گسترش آنرا نباید تابع جغرافیای خاصی کرد. گروه های گارد آزادی در راستای پیشبرد وظایف خطیر خود میتوانند کنترل محلات را در شرایط حاضر به شیوه غیر مسلح اش به دیگر شهرهای بزرگ خارج از کردستان هم گسترش دهد. در نوشته های دیگر جنبه های سراسری و کردستانی را توضیح داده و باز هم به آن خواهیم پرداخت. در اینجا آنچه به پاسخ این سوال بر میگردد این است که ما در همین نوشته علاوه بر فعالیت گارد آزادی در کردستان، بار دیگر کنترل محلات را به عنوان امری ضروری، ممکن و قابل انجام به عنوان سیاست فعال گروه های گارد آزادی در شهر

جلوه ای از ...

سیاه عراقی به مراتب مخوف تر و خونین تر، اینبار در ایران نه تنها خاورمیانه که کل جهان را برای دوره ای در خون، منجلاب و عفونتی مضمّن فروخواهد برد؟

همه چیز ممکن است. برای کسی که کاری نکند، همه چیز به یک اندازه ممکن است. برای نظارگران "صلح طلب"، برای نظارگران خجول چشم امید به آمریکا دوخته، و برای کسانی که تصور میکنند در دل این مناقشه با "هل دادن آمریکا برای تغییر ریل از این سیاست به آن راه حل، و یا تحمیل این یا آن "عقب نشینی" به جمهوری اسلامی "فرجی" حاصل میشود، همه چیز به یک اندازه ممکن است. برای کسانی که در سرانجام "مناقشه اتمی" بدنبال منفعتی، هرچند حقیر، میگردند، همه چیز به یک اندازه ممکن است. برای نیروهایی که در دل این شکاف زندگی سیاسی میکنند و سرمایه و هست و نیست خود را به عملکرد و چند و چون سیاست آمریکا "دیل" بسته اند، همه چیز به یک اندازه ممکن است. اینها جز قدرت ارتجاع، نطفه امید و تکیه گاهی ندارند.

مردم ایران اما استطاعت شرکت در فرعه کشتی برد و باخت تمام و کمال مدنیت در ایران را ندارند. مردمی که از خفقان و فقر و تباهی حکومت اسلامی به تنگ آمده اند، و هرروزه در جدال مرگ و زندگی با حکومت قرون وسطایی اسلامی ایرن اند، در این شکاف و مناقشه

منفعتی ندارند. برای مردم ایران همه چیز به یک اندازه ممکن نیست. مردمی که به قدرت و آگاهی خود متکی باشند حتی در دل این مناقشه میدان عمل خود را بازخواهند کرد، کنترل اوضاع را بدست خواهند گرفت و چرخ را بر پایه دیگری خواهند چرخاند.

در ایران گول انسانیتی وجود دارد که یکی از مخوف ترین حکومت های فاشیستی قرن را سالهاست به مصاف طلبیده است. مردمی که حق خود را از حق هیچ فرانسوی و سوئدی و امریکایی کمتر نمی دانند. مردمی که نه اسلامی اند، نه مذهبی و نه قومی و نه طرفدار هئیت حاکمه آمریکا! مردمی که علیه اعدام و برای حق کودک و علیه حجاب و حاکمیت اسلام هرروز به جنگ رژیم ایران میروند، استطاعت شرکت در فرعه کشتی حمله آمریکا و خطر از هم پاشیدن شیرازه جامعه شان را ندارند. این غول میتوانست قد علم کند. بپاییزد، جمهوری اسلامی را به زیر بکشد و به مردم جهان نشان دهد که چرا و چگونه باید جانیمان و ترجیعین حاکم بر جامعه شان را از آمریکا تا فرانسه و انگلیس به زیر بکشند. این غول میتواند میشر آزادی و برابری برای نه تنها مردم ایران، که برای مردمی باشد که در کشورهای غربی در جنگال سیاست نظم نوین جهانی و میلیتاریسم و قدر قدرتی آمریکا احساس استیصال میکنند. گارد آزادی نیروی مسلح این مردم است. نیروی حافظ

امنیت و آزادی این مردم است که توسط خودشان سازمان میابد. گارد آزادی تکیه گاه و ستونی است که به اتکا آن غول انسانیت در ایران میتواند بپاییزد و چرخ اوضاع را بدست بگیرد.

در آستانه سال نو، و در گرماگریم بحران و "مناقشه اتمی" و خطر حمله آمریکا، حضور گارد آزادی در میان مردم جلوه ای از وجود و حضور غول مردم آگاه، مصمم و مجهزی است که میتواند سرنوشت زندگی و آینده خود و فرزندان شان را بدست بگیرند. این اعلام حضور نیرویی است که "مناقشه اتمی" میدان عمل او نیست. نیرویی که میدان عمل اش قدرت گیری مردم، تجهیز آنها برای دفاع از آزادی و امنیت شان، و بدست گرفتن کنترل تمام و کمال جامعه است.

حضور و قد علم کردن قدرتمند مردم، تنها شرط تضمین آزادی و امنیت و خلاصی از طاعون اسلامی در ایران است. گارد آزادی ضامن این قدرتمندی است. باید به گارد آزادی پیوست و باید واحدهای گارد آزادی را تشکیل داد باید همه جا در سراسر ایران به قدرت گارد آزادی و اعمال اراده مردم در حمایت نیروی مسلح خود، "مناقشه اتمی" را به بیگانی سپارد. دشمنان مردم، آمریکا و جمهوری اسلامی روزی که قدرت متشکل و متحد و مجهز مردم را ببینند، همچون سابق باز هم دوستان قدیمی یکدیگر خواهند شد.

اطلاعیه نشست دفتر سیاسی

نشست یکروزه دفتر سیاسی حزب حکمتیست شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۴ (۱۸ مارس ۲۰۰۶) با حضور رحمان حسین زاده معاون لیدر حزب برگزار شد. در این نشست از فعالیت اخیر واحدهای گارد آزادی در کنترل محلات شهر میوان قدردانی شد. در گزارش ارائه شده توسط معاون لیدر حزب و بحث دفتر سیاسی حول آن، جنبه های گوناگون تحولات سیاسی ایران و موقعیت حزب در یکماه اخیر بویژه سیاست ما در قبال جنگ احتمالی برررسی گردید. بخش دیگر نشست، به اولویت های دوره آتی دفتر سیاسی تا مقطع کنگره حزب اختصاص داشت. جنگ احتمالی آمریکا علیه ایران و سیاست ما بحث دیگر نشست دفتر سیاسی بود که در آن سیاست حزب حکمتیست و همچنین مواضع نیروهای مختلف اپوزیسیون به بحث گذاشته شد. جهت مورد اتفاق نشست، ضرورت اشاعه یک سیاست روشن در صفوف کارگران و مردم و در جنبش ضدجنگ در خارج بر اساس مخالفت قاطع با جنگ طلبی و قلدردمنشی دولت آمریکا و تأکید بر این واقعیت بود که منافع مردم ایران و همه مردم جهان در اینست که در برابر سیاست قدرتی دولت آمریکا و تلاش آن برای تبدیل خود به ژاندارم بین المللی ایستادگی کنند. مبارزه جدی و واقعی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با نظام سیاسی محصول انتخاب آزاد و آگاه مردم ایران، در شرایط و اوضاع کنونی، مستلزم مخالفت قاطع و موثر با هرگونه قدرتی منشی آمریکا در بحران جاری است. دفتر سیاسی همچنین سیاست سازماندهی "کمیته کمونیستی" طرح شده توسط رفیق کورش مدرسی در نشریه سازماندهی کمونیست را به بحث گذاشت و در کلیت تأکید کرد.

فاتح شیخ

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳ فروردین ۱۳۸۵ - ۲۳ مارس ۲۰۰۶

قرار درباره "کمیته کمونیستی"

دفتر سیاسی سیاست سازماندهی "کمیته کمونیستی" طرح شده توسط رفیق کورش مدرسی در نشریه سازماندهی کمونیست را در کلیت آن تأیید میکند. بر اساس این خط، ارگانهای مربوط اسناد لازم را تهیه و به مراجع رهبری حزب ارائه خواهند کرد.

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!

جانی یا ناجی.

جنگی قدرتهای سرمایه داری امپریالیستی در قرن بیست، در آغاز قرن بیست و یکم دارد توسط آمریکا و متحدانش ادامه مییابد. صحنه زنده و خونین آن امروز عراق است، فردا میتواند ایران، کوبا، ونزوئلا یا هر جای دیگری که دولت آمریکا منافع خود را در خطر ببیند باشد.

عراق امروز که به اعتراف علای، نخست وزیر پیشین، غرق باطلاق جنگ داخلی است، نمایشگاه خونین "نظم نوین جهانی" مورد نظر راست ترین جناح دستگاه حاکمه آمریکاست. میزان جنایات سه سال گذشته دولت آمریکا و متحدانش علیه مردم عراق، اگر بیشتر از مجموعه جنایات سی و پنج سال استبداد خونین رژیم صدام نباشد، پیشک دست کمی هم از آن ندارد. دولت آمریکا در عراق ناجی و آزادبخش نیست، نیروی جانی، آدمکش و ویرانگر است.

در ارتباط با تهدید نظامی احتمالی آمریکا علیه ایران، این ویدئو و صحنه های پیشمار مشابه آن، میتواند چشم مردم را به واقعیت باز کند. آن بخش از اپوزیسیون جمهوری اسلامی که مستقیم یا غیرمستقیم از حمله نظامی احتمالی آمریکا علیه ایران استقبال میکنند باید بدانند که با چنین موضعی، خود را در موقعیت شرکاء جرم جنایات جنگی آمریکا علیه بشریت میگذارند. مخالفت قاطع با قدری نظامی آمریکا علیه ایران یا هر جای دیگر، وظیفه هر انسان آزادیخواهی در ایران و در سراسر جهان است. اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم در برابر این واقعیت مسئولیتی جدی و غیرقابل چشم پوشی دارد.

ما، سعی کرد سندیکا را تضعیف کند. پس از آن با ادامه فشار پیش از پیش آن را ناتوان سازد و در پایان با یک ضربه کار آن را بسازد. ضربه ای که مقاومتی را به همراه نداشته باشد. رژیم دارد خود را آماده میکند که به سندیکا حمله کند. سندیکای شرکت واحد با چالشی بزرگ روبروست و باید برای آن خود را آماده سازد.

رژیم جمهوری اسلامی به فشارها و سرکوب گری های خود به کارگران شرکت واحدی شرکت واحد ادامه میدهد. اصائلو را به گروگان گرفته است، از آزادی او و به رسمیت شناسی سندیکا خودداری میکند و سعی میکند با افزایش فشار بر

عضله انقلابی

درصد است که این مسئله در میان جوانان زیر ۲۵ سال به چهل درصد میرسد. طبق قانون پیشنهادی دولت، کارفرما میتواند کارگران زیر ۲۶ سال را طی دو سال اول کار بدون دلیل اخراج کند و دولت فرانسه مدعی است که با این قانون دارد معضل بیکاری جوانان را حل میکند!

بیکاری معضل جامعه فرانسه و بویژه نسل جوان است. عدم امنیت شغلی، بی ثباتی در شرایط کار، پایین آوردن سطح دستمزدها، و خلاصه تعرض به سطح معیشت طبقه کارگر سیاست های رایج دولت فرانسه است. دولت فرانسه که تا کنون کارگر بیکار را در مقابل کارگر شاغل و کارگر بومی را در مقابل کارگر مهاجر قرار میداد، قصد دارد با "ابداع" صف جدیدی کارگر جوان را در مقابل کارگران مسن قرار دهد و ضربه ای دیگر به صفوف طبقه کارگر بزند.

بی تردید این اولین بار نیست که طبقه کارگر فرانسه در اعتراض به سیاست های ضد کارگری دولت دست به مقاومت زده و قدرت خود را نمایش داده و دولت را ناچار به عقب نشینی کرده باشد. آنچه به این مبارزات اخیر برجستگی بخشید، نه صرفاً یک مطالبه صنفی و اقتصادی، بلکه تجربه کردن یکی از جنبه های قدرتمند طبقه کارگر در متحد کردن افشار مختلف جامعه میباشد، جنبه هایی

که رسانه های دولتی و دست راستی تلاش میکنند آن را از دید عموم پنهان دارند.

این بار طبقه کارگر فرانسه با معضل بیکاری نه تنها بعنوان مشکل کارگر بیکار بلکه بعنوان مشکل کل طبقه کارگر روبرو شد و تلاش کرد در جواب به این معضل صف وسیعی از بیکاران و شاغلان، از جوانان و معلم و دانشجو و سایر افشار جامعه را زیر پرچم واحدی بصورت نیروی قدرتمند در مقابله با سیاست های ضد کارگری و ضد انسانی دولت قرار دهد.

تشخیص رهبران کارگری در پاسخ به این تعرض دولت سرمایه داران تعرضی بود به سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" سنتی دولت در مقابل طبقه کارگر.

نمایش پر قدرت روز شنبه مجال نداد که کارگران بیکار و جوان تحت فشار دولت و کارفرما، تنها بمانند و له شوند. اینبار طبقه کارگر که تنها بالا بردن سطح دستمزد، و مشغله های صنفی، بلکه مجمع عمومی دانشجویان دانشگاه سوربون و تصمیم آنها را هم مسئله خود بحساب آورد. در مقابل سیاست گتو سازی و ایزوله کردن مردم محروم حاشیه شهرها تحت نام مهاجرین تفاوت نماند. شکوه این حرکت تنها در ابعاد کمیت شرکت و اعتراض نیست، بلکه تکانی بود که طبقه کارگر و رهبران عملی به خود دادند، خود را در مدار از پیش مقرر شده خارج کردند.

اما این هنوز گوشه کوچکی از پتانسیل و امکان انقلابی

کارگران شرکت واحد و بقیه بخشهای کارگری شود.

تجربه اعتصاب روزهای ۴ دی و ۸ بهمن در این مورد خیلی گویا است. وعده های قالیباف و به اصطلاح میانجی گری های او همه برای این بود که با وجود آوردن انتظار در بخشی از کارگران، یورش به سندیکا را سازمان دهند.

آزادی اصائلو، پیگیری خواسته های اعلام شده و جلب حمایت وسیع کارگران شرکت واحد و دیگر کارگران از سندیکا و سازماندهی گسترده سندیکا، برای حفظ سندیکا در مقابل یورش مجدد سندیکا عاجل و ضروری است.

رهبران و فعالین سندیکای شرکت واحد نشان داده اند که در امر سازماندهی کارگران خبره هستند. باید این خبرگی را برای متشکل دیگر به کار گرفت. نه تنها

طبقه کارگر در بحرکت در آوردن جامعه، برای حل مصائب آن است. هنوز جامعه و مردم فرانسه در میان صدها معضل حل نشده رها شده اند. هنوز نعمات و ثروت آن جامعه خرج بمب و تسلیحات اتمی و زرادخانه های جنگی میشود. هنوز دول غربی در سایه تضعیف و عقب راندن جنبش کارگری عریضه جنگ طلبی سر میدهند و بساط لشکر کشی نظامی به گوشه و کنار جهان پهن کرده اند، هنوز حقوق مدنی مردم مورد تعرض است، هنوز امنیت کار و زندگی کابوس جوانان و بخش عظیم جامعه است، هنوز کار مزدی و استثمار قانون حاکم بر جهان است، هنوز جریانات ارتجاعی اسلامی و مذهبی باد زده میشوند و به جان جامعه بشری افتاده اند. هنوز در فرانسه بر سر دختران خرد سال خانواده های اسلام زده و مقلعه و حجاب میکنند و آنها از دسترسی به علم و دانش امروزی محروم مینمایند. هنوز راسیسم و گتو سازی و تفرقه بیداد میکند. هنوز غول جنبش کارگری در خواب است، اعتراض روز شنبه فقط تکان کوچکی بود که به خود داد، اگر این غول خفته به حرکت در آید کل مصائب جامعه را میتواند و قادر است حل کند. حل همه این مسائل در دست طبقه کارگر است.

روزنامه آبرور نوشت... فرانسه بیکار دیگر عضله انقلابی خود را در چهارچوب سنت جمهوریست به نمایش گذاشت...

با بد تضعیف سندیکا جلوگیری کرد و آن را سید کرد، بلکه باید به تقویت آن در همت گماشت. باید هشیارانه در مقابل همه مانورها و ترفندهای رژیم ایستاد و آنها را خنثی کرد. باید به رژیم نشان داد که سندیکا قدرتمند است و یورش مجددش با مقاومت مواجه خواهد شد و شکست خواهد خورد. باید ترس از حمله را در دل رژیم زنده نگه داشت.

شکست و پیروزی سندیکای شرکت واحد، شکست و پیروزی همه کارگران ایران در یک سنگر مهم بر سر تشکل یابی است. پیروزی در این سنگر، موجب پیشروی فزاینده طبقه کارگر در سنگرهای بیشتر دیگر و موجب اتحاد و تشکل طبقه کارگر ایران در سطح وسیع خواهد شد.

شکست و پیروزی سندیکای شرکت واحد، شکست و پیروزی همه کارگران ایران در یک سنگر مهم بر سر تشکل یابی است. پیروزی در این سنگر، موجب پیشروی فزاینده طبقه کارگر در سنگرهای بیشتر دیگر و موجب اتحاد و تشکل طبقه کارگر ایران در سطح وسیع خواهد شد.

به حکمتیست ها به پیوندید!

بحران هسته ای

یا

بحران به بهانه هسته ای

(۲)

۲- ریشه های جنگ: محرکه آمریکا

معزل "جهان متمدن" آقای پهلوی

وقتی از بحران و محرکه آمریکا و جمهوری اسلامی صحبت میکنیم باید دقیقاً روشن کنیم که منظور از بحران کدام است و در مورد محرکه در چه فعل و انفعالی حرف میزنیم. لغزش میان پاسخ ها یا مفروضات مختلف در مورد صورت مسئله پایه چشم بندی ژورنالیست های "محترم" و همچنین سیاستورن اپوزیسیون است.

مسئله نفس وجود اختلاف و بحران در روابط دولت آمریکا با جمهوری اسلامی نیست. این بحران همیشه وجود داشته است. رابطه جمهوری اسلامی با دولت آمریکا همیشه یک رابطه کژدارد و مریز بوده است. صورت مسئله آن هم سر راست بوده است و بارها در مورد آن بحث کرده ایم. جمهوری اسلامی نظام مورد علاقه سرمایه داری نیست. سال ۵۷ از ترس انقلابی که ایران را فرا گرفت و در مقابل خطر عروج یک دولت چپ گرا، مثل سیاستی که بعداً در افغانستان بکار گرفتند، در ایران خمینی را زیر درخت سیب نشانند و مجریان محترم رادیو بی بی سی را به خدمت ایشان فرستادند تا صدایشان را به همه جا برسانند، صدای هر آزادی خواهی چپ را زیر نعره آنتن های بی بی سی محو کند و به همه به قبولاند که خمینی رهبر مردم است و انقلاب را به مرض اسلامی مبتلا کردند. بعد از سرکوب انقلاب توسط جمهوری اسلامی دولت آمریکا آلترناتیوی برای جایگزینی جمهوری اسلامی نداشتند است و یا اگر داشته امکان جایگزین کردن آن را نداشته است.

امروز اما مسئله بر سر این بحران و این کشمکش دائمی میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی نیست. مسئله حمله نظامی آمریکا به ایران است. این موضوع فعل و انفعالی بحران مورد بحث است. سوال این است طی نزدیک به ربع قرن گذشته، حتی در جریان "جنگ فتکش ها" در دهه ۸۰ قرن بیستم که این بحران ابعاد نظامی هم پیدا کرد،

کمونیست ۸۵

صحبت از حمله نظامی آمریکا به ایران نبود. امروز چه چیز این جنگ را برای دولت آمریکا مطلوب یا ضروری کرده است؟

ظاهراً مسئله بر سر این است که دولت آمریکا و آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) مشکوک اند که جمهوری اسلامی در کار تلاش برای دست یابی به سلاح هسته ای است. این روایتی است که دولت آمریکا، رسانه های جمعی و ژورنالیسم نوکر ادغام شده "در پنتاگون و واحد های نظامی آمریکا و انگلیس بدست میدهند. اگر در مورد سلاح های کشتار جمعی صدام مطمئن بودند، به جمهوری اسلامی فقط شک دارند؟ ظاهراً ترازوی عدالت جهانی حساس تر شده است. در دبئانی زندگی میکنیم که دیگر حتی مراسم مسخیره اثبات اینکه صدام سلاح شیمیایی دارد لازم نیست. کافی است حتی اگر به دولتی شک هم داشته باشند میشود با بمب توی سر مردم آن مملکت بزنند. چرا؟

حتی اگر ثابت شود که جمهوری اسلامی قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ای را زیر پا گذاشته است، تازه ثابت میشود که به سیاق سایر دولت ها، از جمله اسرائیل، پاکستان، هند، کره جنوبی، کره شمالی و مهمتر از همه خود آمریکا، و دولت های صاحب سلاح هسته ای عمل کرده است. اگر قرار است به کسی که شک ساختن سلاح هسته ای هست حمله نظامی شود، چرا با دولتی مثل اسرائیل که اصولاً مأموران آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) راه نمیدهد و همگی اذعان دارند که سلاح هسته ای تولید میکند چنین رفتاری نمیشود؟ چرا وقتی که دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی سلاح هسته ای میساخت کسی نه تهدیدش کرد و نه حتی به روی خودش آورد؟

این "جدیت" در مورد اجرای قوانین بین المللی را فلسطینی ها هم باید باور کنند؟ آیا با اسرائیل، چین، آلمان، و خود دولت آمریکا بخاطر ارباب بخش وسیعی از بشریت، طی پنجاه سال گذشته، هم همین رفتار میشود؟ چگونه میشود این را باور کرد؟ آمریکا تنها بکار گیرنده مخرب ترین سلاح کشتار جمعی یعنی بمب اتمی علیه مردم بی دفاع هیروشیما و ناکازاکی است. هنوز عوارض بیماران های شیمیایی و بیولوژیک آمریکا در ویتنام بر مردم مشهود است. اینها بکار گیرنده مهمات اورانیوم رقیق شده در عراق هستند که روزانه دهها کودک و بزرگسال قربانی بیماری های ناشی از عوارض آن میشوند. اگر مساله از بین

بردن سلاحهای کشتار جمعی است اولین هدف اتفاقاً باید همین دولت هائی باشد که صاحب وسیعترین زرادخانه اتمی و شیمیایی هستند و آنها را بسیار وسیع بکار گرفته اند.

واقعیت این است که تحلیل های اعلام شده دول غربی و رسانه هایشان فاقد ذره ای انسجام و پیوستگی است. خودشان هم میدانند که این تحلیل نیست. بخشی از خود این جنگ پروپاگاندا جنگی است.

خلع سلاح جهان از سلاحهای هسته ای و ممنوعیت داشتن و تولید آنها و همچنین ممنوعیت تحقیقات علمی در این زمینه برای نجات بشریت از بربریتی اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی که ممکن است به آن تحمیل شود حیاتی است. اما اگر قرار است سلاحهای کشتار جمعی ممنوع شود، اگر داشتن سلاح کشتار جمعی بد است اگر بکارگیری آن مذموم است آنوقت باید از خلع سلاح اتمی، شیمیایی و بیولوژیک آمریکا، چین و روسیه شروع کرد.

بارها گفته ایم که آمریکا تنها بکار گیرنده سلاح اتمی علیه مردم بی دفاع و بیگناه و همچنین وسیعترین بکار گیرنده سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی است. دولتهای غربی، و مهمتر از همه آمریکا، سالیانه میلیارد ها دلار خرج ساختن و گسترش این تسلیحات و همچنین تحقیقات علمی در مورد آن میکنند. آمریکا هنوز سالگرد کشتار هیروشیما و ناکازاکی را گرمای میدارد. هنوز ژنرال هایشان با افتخار مدال های جنگ ویتنام شان را به سینه میزنند.

روشن است که مسئله اینجا بر سر نفس دست یابی دولتها یا هر دولتی به تکنولوژی هسته ای نیست. مسئله بر سر دسترسی کسانی به این تکنولوژی است که دولت آمریکا دوست ندارد.

این را بهتر از هر کس آقای رضا پهلوی به رخ مردم ایران کشیده است. ایشان درست میگوید. در زمان حکومت پدر تاجدار شان ایران در حال دست یابی به تکنولوژی هسته ای بود و امروز هم اسرائیل، کره جنوبی، پاکستان، هند، و همه دوستان آمریکا مشغول این کار هستند. مسئله بر سر دست یابی به تکنولوژی هسته ای نیست. مسئله بر سر دست یابی جمهوری اسلامی به این تکنولوژی است و این را "دنیای متمدن" نمیدارد. البته همه میدانند که برای آقای پهلوی "دنیای متمدن" نام مستعار دولت آمریکا است. همه شواهد و دلائل حکم میدهند که آمریکا در برخورد

به مسئله دست یابی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای در حال حل و فصل یک واقعیت دیگر است. دست یابی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای، واقعیت یا ادعا، صورت مسئله نیست و نمیتواند باشد. صورت مسئله تعیین تکلیف با دولت هائی است که میتوانند منافع آمریکا را به خطر اندازند. این مینمای سیاست ضربه پیشگیرانه دولت آمریکا است که در مورد عراق بکار رفت و امروز در مورد جمهوری اسلامی بکار میرود. مسئله تکنولوژی هسته ای و قرار داد منع گسترش سلاح های هسته ای نیست. همه دولت ها، آنها که وسع شان میرسند، دارند همین کار را میکنند. مسئله فعل یا جرم نیست. مسئله این است که چه کسی این فعل و یا این جرم را انجام داده. بعضی را به خاطر انجام این کار نوازش هم میکنند؛ مثل پاکستان، آمریکا و اسرائیل، ظاهراً مردم جایی را میشود به خاک و خون کشید، مثل عراق یا ایران. جنگ ایران ادامه اشغال عراق است.

حمله آمریکا به ایران ناشی از آن است که با دستیابی یک رژیم "غیر دوست" آمریکا به تکنولوژی هسته ای و نه حتی سلاح هسته ای است. منافع آمریکا میتواند به خطر بیفتد. این مبنای سیاست آمریکا بعد از جنگ سرد و بویژه بعد از سر کار آمدن محافظه کاران جدیدی در آمریکا است.

این سیاست ادامه جنگ اول آمریکا با عراق در پوشش دروغین اشغال کویت، جنگ دوم آمریکا و اشغال عراق در پوشش دروغین داشتن سلاح های کشتار جمعی توسط دولت عراق است.

مسئله ای که در این کشمکش در حال حل و فصل است فراتر از دست یابی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای است. مسئله موقعیت آمریکا است. طی چند سال آینده چین به قدرت اقتصادی بزرگتری از آمریکا تبدیل میشود. دنیا سرمایه داری بحران کمبود سرمایه دارد و قابلیت کنترل منابع طبیعی و بخصوص نفت اهرم تعیین کننده ای در قابلیت سرگردنه گیری بین المللی دارد. برای آمریکا این درگیری مجرانی برای شکل دادن به ساختار سیاسی آتی جهان سرمایه داری در جهت حفظ موقعیت آمریکا بعنوان تنها ابر قدرت است. عروج چین و بعد ها هند و امتزاج سیاسی، اقتصادی و نظامی روسیه با چین، عروج آلمان و گسترش اروپای واحد، همه نه یلقوه، بلکه بالفعل موقعیت آمریکا را تغییر میدهد. بیست سال آینده دولت

آمریکا اقتصادی کوچکتر از اقتصاد چین خواهد داشت. تنها ابزار امکان و تثبیت قدرتی نظامی است. این تنها مکان برای سرمایه داری آمریکا برای حفظ موقعیت ابر قدرتی خود است. همانطور که ده سال گذشته ده سال افول موقعیت اقتصادی آمریکا در مقابل اروپا و چین بوده است، بیست سال آینده، با "فعال شدن" کل نیروی کار در چین و در کشورهای اروپای شرقی در متن واقعیت های تولیدی جهان امروز، شاهد عروج غول های جدید اقتصاد سرمایه داری و افول موقعیت اقتصادی آمریکا خواهیم بود.

جنگ افروزی های ده سال گذشته آمریکا تماماً معطوف به تضمین حق استفاده یک جانبه دولت آمریکا از نیروی نظامی، هر جا که منفعت اش ایجاد کند است. این قدرتی ها و گردنه گیری ها و امکانی برای ابزار وجود آمریکا بعنوان یک قدرت نظامی است. بنابراین ابعاد خود مساله هسته ای جمهوری اسلامی هر چه میبود آمریکا محتاج تبدیل آن به یک بحران جنگ است.

آمریکا اگر دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای را تحمل کند، بیشتر از آنکه کشوری به خطر بیفتد، سیاست ضربه پیشگیرانه بلوک جرج بوش - دیک چینی شکست میخورد. ژاندارم خود گمارده دنیا پشمن میریزد. صورت مسئله این جنگ گسترش سلاح های هسته ای نیست. اگر آمریکا جواب جمهوری اسلامی را ندهد فردا چین در خروج را به دولت آمریکا نشان میدهد. مسئله حفظ موقعیت ابر قدرت آمریکا است. مردم عراق دارند تاوان این موقعیت را میدهند، قرار است فردا مردم ایران قربانی این نظم نوین شوند. جمهوری اسلامی بهانه است. چین و اروپا موضوع طرف اصلی این کشمکش هستند.

اینکه جمهوری اسلامی با یک سابقه جنایتکارانه، در حالیکه در تب نفرت مردم ایران میسوزد، محمل این ماجرا شده است تنها یک مناسبت است. محمل این بهانه گیری میتواند بولیوی، ونزوئلا، کوبا و یا هر کشور دیگری که آمریکا آن را "دوست" نمیداند باشد. این بهانه جوی از جمله میتواند بخره دولت سوسیالیستی آینده در ایران یا در هر جای دنیای را هم بگیرد. ابعاد خود واقعه ابداً این هیاهو و این میلیتاریسم را توجیه نمیکند. برای آمریکا مساله اصلی تضمین موقعیت ابر قدرت یگانه در دنیای است که به سرعت دارد تغییر میکند. در قسمت بعد به محرکه های جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت